



آثار باستانی و ارزش های تاریخی

ایرانیان، ملتی یگانه و یکپارچه

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۴ - ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

باوجود اینکه سرزمین ایران در هزاره‌ی نخست پیش از میلاد، مهد مردمانی متمدن و برجسته چون عیلامیان، در جنوب غرب، و کاسیان، در شمال غرب بود، ولی آنان هیچ‌گاه اندیشه و خواست و برنامه‌ای برای وحدت و یکپارچگی این پهنه‌ی گسترده نداشتند. اما با برآمدن دولت هخامنشیان و به اعتبار ایدئولوژی سیاسی و دینی آنان - که وحدت‌بخشی به مردم را مأموریت الهی خود می‌دانست - و نیز با سرآمدی کامل فرهنگ ایرانی بر سراسر این سرزمین، برای نخستین بار، اندیشه‌ی وحدت ملی و یگانگی فرهنگی ایرانیان پدید آمد. از این زمان به بعد



باوجود اینکه سرزمین ایران در هزاره‌ی نخست پیش از میلاد، مهد مردمانی متمدن و برجسته چون عیلامیان، در جنوب غرب، و کاسیان، در شمال غرب بود، ولی آنان هیچ‌گاه اندیشه و خواست و برنامه‌ای برای وحدت و یکپارچگی این پهنه‌ی گسترده نداشتند. اما با برآمدن دولت هخامنشیان و به اعتبار ایدئولوژی سیاسی و دینی آنان - که وحدت‌بخشی به مردم را مأموریت الهی خود می‌دانست - و نیز با سرآمدی کامل فرهنگ ایرانی بر سراسر این سرزمین، برای نخستین بار، اندیشه‌ی وحدت ملی و یگانگی فرهنگی ایرانیان پدید آمد. از این زمان به بعد، دیگر، اهالی ایرانی این سرزمین خود را «ایرانی» و از تبار ایرانی می‌دانستند و از این روست که داریوش بزرگ در کتیبه‌ی «نقش رستم» خود را «یک ایرانی از تبار ایرانی» می‌خواند و استرابو - جغرافی‌نگار یونانی - گواهی می‌دهد که در آن دوران از بلخ (در شرق) تا ماد (در غرب) را «ایران» می‌خواندند و اهالی این قلمرو به زبان‌های کمابیش یکسانی سخن می‌گفتند (جغرافیا، کتاب پانزدهم/۲/۸).

باور به یگانگی و یکپارچگی مردم ایران در متون بازمانده از دوران ساسانیان نیز آشکار است و برجای مانده است؛ چنان‌که شاپور - دومین شهریار ساسانی - در کتیبه‌ی خود در نقش رستم فارس تصریح می‌کند که فرمانروای «ایران‌شهر» است و این قلمرو سرزمین‌هایی چون: پارس و پارت و خوزستان و آذربایجان تا خراسان و سُغد را دربرمی‌گیرد.

خودآگاهی ایرانیان به هویت ایرانی خود و باور اصیل آنان به یگانگی و یکپارچگی ایرانیان، در دوران اسلام و در پرتو رهنمودهایی گوه‌ری چون «حب الوطن من الایمان» نیز تداوم یافت؛ چنان‌که این حقیقت در شماری از متون بازمانده از آن دوران به‌خوبی انعکاس یافته است:

گویند معتدل‌ترین و باصفا‌ترین و بهترین بخش‌های زمین «ایران‌شهر» است: درازای آن میان رود بلخ تا رودخانه‌ی فرات و پهنای آن میان دریای آبسکون (مازندران) تا دریای فارس و یمن و سپس به طرف مکران و کابل و طخارستان و تا منتهای آذربایجان است و آنجا برگزیده‌ی بخش‌های زمین و ناف زمین است؛ به علت اعتدال رنگ مردم آن و استوای پیکره‌هایشان و سلامت خرده‌هایشان. ایران‌شهر سرزمین فرزنانگان و دانشوران است و ایشان بخشنده و بخشاینده و باتمیز و هوشمندند و هر خوی نیکی را که دیگر مردمان جهان از دست داده‌اند، اینان دارا هستند (مطهر

بن طاهر مقدسی؛ آفرینش و تاریخ؛ ترجمه‌ی دکتر شفیعی کدکنی؛ تهران: نشر آگه، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۵)

باوجود این آگاهی و باور ریشه‌دار ایرانیان به هویت ایرانی تاریخی خود و تعلق داشتن به ملت و ملیتی یکپارچه و یگانه، برخی از دولت‌های استعمارگر پیر و استکباری جدید از دویست سال پیش تاکنون به قصد فروپاشی و تضعیف قدرت و وحدت ایرانیان - که در روزگار صفویان به اوج خود رسیده بود - و تبدیل ایران به کشوری وابسته و پاره‌پاره، این اندیشه‌ی شوم و پلید خود را به یاری و واسطه‌گری عمال خائن و وطن‌فروش خود در کشور ترویج و تبلیغ کرده و می‌کنند که - برخلاف همه‌ی حقایق و شواهد موجود - مردم ایران به ملت و ملیتی واحد متعلق نیستند و هیچ‌گونه وجه اشتراکی بین آنان وجود ندارد؛ چنان‌که می‌گویند - مثلاً - ایرانیان شمال غرب نه هم‌تبار و هم‌ریشه با دیگر ایرانیان، بلکه از تبار و سلاله‌ی آغوزها هستند! حال آنکه آغوزها بیابان‌گردان زردپوست درنده‌ای بودند که در سده‌ی پنجم هجری از ماوراءالنهر به ایران سرازیر شدند و پس از ارتکاب قتل و غارت‌های شنیع و وسیع، به ویژه در خود آذربایجان، به تدریج پراکنده و رانده شدند. مروجان این توطئه‌ی «ازهم‌بیگانگی ایرانیان» با انتساب ایرانیان آذری به آغوزها می‌خواهند آنان را بیگانه با دیگر ایرانیان و بی‌ارتباط با فرهنگ و هویت ایرانی جلوه دهند و در نهایت ایشان را وادار به جدایی از خاک وطن و رفتن به زیر پرچم رژیم باکو کنند. هرچند که انتساب به آغوزها - که یکی درنده‌ترین و خون‌خوارترین موجودات دوپای عالم بودند - به خودی خود، تحقیر و توهینی است وقیح به ایرانیان اصیل و فرهیخته و وطن‌خواه آذری.

باوجود دویست سال دسیسه‌چینی و توطئه‌گری بیگانگان و عمال داخلی آنان برای نفاق‌افکنی و نفرت‌پراکنی و ترویج نژادپرستی و قومیت‌سازی و تجزیه‌طلبی در ایران، ایرانیان آذری و دیگر هم‌وطنانشان همچنان و با قدرت و صلابت به میهن و نظام خویش وفادار و دلبسته‌اند و در برابر حمله‌ی بی‌امان دشمنان ایستادگی می‌کنند و همیشه خود را متعلق به ملت و ملت‌ی یگانه و یکپارچه می‌دانند.

نویسنده: داریوش کیانی

تاربرگ: prana.persianblog.ir

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ایرانیان، ملت‌ی یگانه و یکپارچه»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1647/pdf/ایرانیان-ملت-ی-یگانه-و-یکپارچه.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵